



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری (ره) بعد از اینکه ثابت کردند معاطات هم مفید ملکیت و هم مفید لزوم است (وعلی قول مفید إباحه است) تنبیهاتی را منعقد کرده اند که ما تنبیه اول را قبل از تعطیلات خواندیم .

تنبیه دوم مربوط به آنچه که معاطات را محقق می کند (محقق معاطات) می باشد ، شیخ در اینجا چهار وجه برای محقق معاطات ذکر می کند ؛ وجه اول در صورتی است که إعطاء من الطرفين باشد یعنی بایع باید مبیع را إعطاء کند و مشتری نیز باید ثمن را إعطاء کند چون در معاملات باید إنشاء فعلی وجود داشته باشد که با إعطاء طرفین این إنشاء فعلی محقق می شود . (در هر معامله ای دو چیز معتبر است ؛ اول منشأ است که یک امر اعتباری می باشد ، دوم إنشاء است یعنی ایجاد کردن منشأ ، و قبلاً بحث کردیم که منشأ از مقوله معنی می باشد و همانطور که قبلاً عرض کردیم معاطات إنشاء فعلی می باشد بنابراین بحث در تنبیه دوم در این است که ما می خواهیم ببینیم که إنشاء فعلی به چیزی محقق می شود؟ .

وجه دوم آن است که إعطاء من أحد الطرفين نیز کافی است یعنی همانطور که در بیع لفظی مثل بیع صرف و سلم و نسبه إعطاء من أحد الطرفين کافی است در معاطات نیز همین طور است زیرا آنچه که مقوم بیع است إعطاء و أخذ می باشد که به جای ایجاب و قبول قرار

می گیرد و پرداخت بعدی وفاء به عقد قبلی می باشد نه اینکه جزء متمم عقد قبلی باشد .

وجه سوم آن است که اصلاً إعطاء وجود ندارد و ملاک إعطاء نمی باشد بلکه ملاک وصول مبیع به مشتری و وصول ثمن به بایع می باشد ، چند مثال برای این وجه سوم ذکر شده من جمله اینکه مثلاً سقا مشک آب خود را در جایی گذاشته و رفته و دیگران وقتی آب می خورند پول آن را داخل کاسه ای که کنار مشک است می اندازند و می روند و یا مثل پولی که در غیاب حمامی به دخل او انداخته می شود و یا مثل پولی که در غیاب سبزی فروش به دخل او انداخته می شود که در هیچکدام از این موارد إعطاء نیست بلکه وصول مبیع به مشتری و ثمن به بایع که حضور ندارد می باشد ، البته وجه سوم امروزه خیلی شایع شده مثل خریدهایی که انسان از فروشگاههای بزرگ مواد غذایی انجام می دهد بدون آنکه اعطائی وجود داشته باشد بنابراین در وجه سوم وصول میزان است .

وجه چهارم آن است که حتی وصول هم در کار نیست بلکه تنها مقاوله و گفتگویی بین طرفین صورت گرفته و همین باعث وقوع بیع معاطاتی شده ، این چهار وجه برای محقق شدن معاطات بود که به عرضتان رسید .

مرحوم نائینی در جلد اول منیة الطالب ص ۱۶۵ تا ص ۱۶۷ این بحث را مطرح کرده و فرموده که فقط قسم اول (اعطاء من الطرفين) معاطات و بیع می باشد و اقسام دیگر بیع و صحیح نیستند زیرا درست است که معاطات در آیات و روایات ذکر نشده ولی باید عرفاً به آن بیع بگویند و بیع یک معاوضه خاصی است که فقط شامل

تملیک و تملک خالی نیست بلکه در واقع تبدیل اضافتین و تملیک مثنی به ثمن و بالعکس می باشد یعنی در واقع قوام بیع به تبدیل اضافتین و تملیک فی مقابل تملیک آخر می باشد لذا حتماً باید اعطاء من الطرفین باشد و اگر فقط اعطاء از یک طرف باشد مثل ایجاب بدون قبول می شود یعنی چنانچه در معاملات لفظی ایجاب بدون قبول به درد نمی خورد در اینجا نیز جزء السبب (اعطاء من الطرفین) باید محقق شود تا اینکه آن علت تامه بوجود بیاید و حتی مرحوم نائینی فرموده معاطات فقط در بیع به این صورت متمسکی می شود و در مثل هبه و صلح و امثالهما اصلاً معاطات متمسکی نمی شود .

حضرت امام (ره) از اشکال مرحوم نائینی اینطور جواب داده که ملاک و میزان در اینجا خود فعل است و فعل زبان ندارد بلکه ما از شواهد و قرائن موجود محتوای فعل را می فهمیم مثلاً وقتی انسان برمی خیزد این بلند شدنش فعل اوست که زبان ندارد ولی انواع و اقسامی دارد زیرا گاهی برمی خیزد که کتابی را بر دارد و گاهی برمی خیزد للتعظیم که هر دوی اینها بلند شدن هستند ، بنابراین امام (ره) به خلاف مرحوم نائینی می فرماید که محتوا در باب بیع فقط منحصر در اعطاء من الطرفین نیست بلکه فعل محتوای خودش را با توجه به شواهد و قرائنی که به آن منضم می شود نشان می دهد مثلاً گاهی کتابی را از کسی می گیرد که بعداً پولش را به او بدهد که این می شود بیع ولی گاهی آن کتاب را قرض می گیرد و گاهی آن را هبه می گیرد ، پس می توان گفت که فعل نیز محتوایی دارد و محتوای آن انشاء است و انشاء نیز انواع و اقسام متفاوتی دارد و أهل عرف نیز این زبان و

محتوای فعل را با توجه به قرائن و شواهد موجود می فهمند و درک می کنند لذا با توجه به این مطلب قسم سوم (فقط وصول است و هیچگونه اعطائی نیست) نیز اشکالی ندارد زیرا مثلاً گذاشتن سبزی ها در جای خاصی انشاء از طرف بایع است و برداشتن آن سبزی ها و گذاشتن پول در داخل دخل سبزی فروش نیز انشاء از طرف مشتری می باشد و امروزه نیز اکثر معاملات با فعل صورت می گیرد خواه این فعل مثلاً با تلفن باشد یا بایست و امثال ذلک لذا همانطور که ما زبان الفاظ را می فهمیم باید زبان افعال را نیز بفهمیم و همانطور که عرض شد افعال با شواهد و قرائن زبان و محتوای خودشان را نشان می دهند لذا هم قسم اول و هم قسم دوم و هم قسم سوم باید صحیح باشند و اما بعداً درباره قسم چهارم بحث خواهیم کرد .

کلام مرحوم نائینی به عرضتان رسید بررسی بقیه کلمات و اقوال بماند برای جلسه بعد ان شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین